

ما لازم است از توانائی اعجاب انگیز کودک کان به آموختن ریاضی از طریق حواس خود بدون دنبال کردن قواعد و الگوهای رسمی آن، اطلاع داشته باشیم. در حال حاضر، می‌توانیم سعی کنیم کودک روی این قدرت و توانائی خود سرمایه‌گذاری کند و در زمانی که این نیرو در اوج خود قرار دارد به او بیاموزیم تا بعدها برای وی مفید واقع شود.

از آنجائی که فرزند شما از طریق روشهای وابسته به ادراک آسانتر و سهل‌تر خواهد آموخت، باید مفاهیم ریاضی به کودک از طریق وسائلی جالبی که بازی کردن با آنها را دوست دارد آموخته شود. برای مثال به وی بیاموزید که از یک تا ده بشمارد، یا با شمردن انگشتان این کار را صورت دهد. او را تشویق کنید برای اینکار از کلیه‌ی وسائلی مانند: شیرینی، سکه، کشمش و دکمه استفاده کند. در غیر این صورت او می‌آموزد عدد ۴ یعنی چهارمین شیء، مثلاً انگشت چهارم دست مانند تمام چهارها در اشیاء.

همچنین باید به وی آموخت که صفر هم عددی است. تعداد فیل‌ها در آشپزخانه‌های شما صفر است نه هیچ. به فرزندتان بیاموزید که هیچ یعنی هیچ چیز، ولی صفر یعنی علامت «۰» در غیر این صورت کودک بعدها دچار اشکال می‌شود، مثلاً عدد ۳۵ یعنی ۳ ده و ۵ یک و عدد ۳۰۵ یعنی ۳ صد و ۰ ده و ۵ یک. در صورت اول اگر کودک ۰ را هیچ بدانند ۳۰۵ می‌شود ۳۵ ولی اگر آن را عددی محسوب کند می‌شود ۳۰۵ که اختلاف زیاد است.

سپس به فرزند خود بیاموزید چگونه اعداد را از صفر (۰) تا ۹ بنویسد. اگر شما این ارقام را به اندازه‌های بزرگ درست کنید و بگذارید فرزندتان با انگشت آنها را رسم کند به زودی نوشتن را خواهد آموخت. شما می‌توانید اعداد را به اندازه‌های بزرگ بریده و آنها را

روی مقوا نصب کنید آنگاه آنها را با اره‌ی موئی ببرید و سپس برحسب اعدادی که روی مقوا چسبانیده‌اید، در اختیار کودک قرار دهید بعد از انجام این کارها به کودک بگویند تا به نسبت عددی که روی مقوا نصب شده از مهره‌ها یا حیوانات کوچک جدا کند.

تکنیک‌های مختلفی را می‌توان در منزل برای آموختن مفاهیم ریاضی به فرزند بکار برد. مثلاً، پس از آنکه کودک توانست بشمارد و اعداد را شناخت، جعبه‌ای را در اختیار او قرار داده و خانه‌های آن را بین ۰ تا ۹ تقسیم کنید (این کار را روی شانه‌های خالی تخم مرغ هم می‌توانید انجام دهید). سپس ۴۵ مهره یا دکمه را در اختیار کودک قرار داده و از وی بخواهید که مهره را به نسبت، در خانه‌های مختلف از صفر تا ۹ قرار دهد. جعبه خود به خود مهره‌ها را تقسیم می‌کند و موجب می‌شود که کودک مستقلاً این کار را انجام دهد.

بازی دیگر: اعداد منفردی روی صفحه‌های مختلف کاغذ نوشته، آنها را تا بکنید و در کیسه‌ای قرار دهید آنگاه از کودک بخواهید که یکی از کاغذهای تا شده را از کیسه خارج کرده و عدد آنرا خوانده و به تعداد آن، مهره یا دکمه به شما تحویل دهد. این بازی را می‌توان به صورت پرداخت‌کننده‌ی پول در گیشه‌ی بانک در آورید، کودک را به جای تحویل‌دار نشانده و با دادن کاغذهایی که روی آن اعداد منفردی نوشته‌اید، از وی بخواهید در ازاء هر برگ که شما به وی می‌دهید او نیز دکمه یا مهره‌ی معادل آن را به شما تحویل دهد.

برای شناساندن مفهوم اعداد فرد و زوج، تعدادی کارت که روی آنها از ۰ تا ۹ نوشته شده به کودک بدهید تا کودک کارتها را به ترتیب روی زمین بچیند سپس از او بخواهید که دکمه‌ها را جفت‌جفت زیر هر یک از اعداد قرار دهد. به زودی طفل پی می‌برد که کدام عدد زوج و

کدامین فرد است. یعنی اعدادی مانند ۵ و ۷ که دکمه‌های زیر آنها زوج نمی‌شوند فرد هستند.

این کارتها و دکمه‌ها برای آموختن جمع و تفریق به اطفال هم بکار می‌روند.

تعدادی کارت و دکمه را به منظور آموزش جمع در اختیار کودک قرار دهید. ابتدا دو کارت را که مجموع آنها کمتر از ۱۰ باشد، روی زمین بگذارید از کودک بخواهید که دکمه‌های معادل را زیر هر یک بگذارد بعداً هر دوسری دکمه را در ظرفی بریزید سپس به کودک بگوئید دکمه‌ها را که مجموع هر دو کارت است بشمارد. بدین ترتیب مفهوم جمع را به کودک بیاموزید. تفریق را هم به صورت عکس این عمل می‌توانید انجام دهید. پس از آنکه کودک، اعداد بالاتر از ۱۰ را شناخت، شما هم می‌توانید حاصل جمع را افزایش دهید و برای نوشتن عملی که انجام گرفته، دو عدد را نوشته بین آنها علامت + یا - بگذارید. روشهای بالا در «مدرسه منتسوری» تعلیم داده می‌شود، بیان این مدرسه برای آموختن «ده‌ها»، رشته‌هایی از مهره‌های ده‌تایی مانند تسبیح درست می‌کنند، برای «صدها» نیز، ده رشته ده‌تایی در ده صف به صورت مربع قرار می‌دهند و برای هزارها ده مربع ده رشته‌ای به صورت مکعب روی هم می‌چینند. هر یک از این دسته‌ها با رنگهای مختلف مشخص می‌گردند. حال برای نوشتن عدد ۱۶۵۳ کودک به شرح زیر عمل می‌کند. یک مکعب هزار مهره‌ای قرار داده سمت راست آن، ۶ مربع صدتایی، و سمت راست آن ۵ رشته ده‌تایی و سمت راست آن ۳ عدد مهره می‌گذارد.

خرید مهره‌های بالا ممکن است گران تمام شود، این مهره‌ها را والدین به ابتکار خود می‌توانند با وسایل ارزان قیمت فراهم نمایند.

برای بازی با فرزندان، شما نیاز به کارتهای اعداد دارید بدین منظور چهار دست کارت ده تائی با ابعاد مساوی درست می کنید. روی یک دست ارقام ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۴۰۰۰، ۵۰۰۰، ۶۰۰۰، ۷۰۰۰، ۸۰۰۰، ۹۰۰۰ را با مرکب می نویسید. قبل از آنکه روی دست دوم کارتهای ارقامی بنویسید، یک چهارم کارتها را از یک طرف قطع کنید به شکلی که فقط بتوانید ۳ رقم روی آنها بنویسید، سپس روی این کارتها ارقام ۱۰۰، ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰، ۵۰۰، ۶۰۰، ۷۰۰، ۸۰۰، ۹۰۰ را می نویسید. از دست سوم کارتها، نصف آنها را قطع کنید و روی آنها ارقام ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ را بنویسید. دست چهارم کارتها فقط به اندازه ی یک چهارم کارتهای دیگر است روی آنها از ۰ تا ۹ بنویسید بدین ترتیب کودک قادر خواهد بود از ۱ تا ۹۹۹۹ را بنویسد. یک بازی که شما می توانید با فرزند خود بکنید، اینست که تمام کارتها را توی ظرفی ریخته و از کودک بخواهید عدد ۴۰۰۰ را از بین کارتها پیدا کرده و به شما بدهد. سپس از وی می خواهید بین کارتهای هزارها، صدها، دهها و یکها کارتهائی را انتخاب کند که معادل ۴۰۰۰ باشد. پس از آنکه کودک توفیق یافت به او می گویند این عمل را با مهره ها (اگر در اختیار دارد)، انجام دهد.

پس از اینکه کودک با شادی و راحتی توانست این کارها را انجام دهد، جمع را قدری مشککتر و پیچیده تر می کنید برای مثال ۱۴۳۳ و ۶۳۲۴ و از وی می خواهید این اعداد را از بین مهره ها انتخاب کرده و در ظرف بریزد، او هم ابتدا از عدد اول رقم سمت راست شروع می کند: ۳ مهره تنها، بعد ۳ رشته ده تائی و بعد چهار مربع صد تائی و یک مکعب هزار تائی جدا کرده در ظرف می ریزد سپس با عدد دوم، همین عمل را انجام می دهد و در پایان هر یک از طبقات را کنار هم چیده و جمع به

دست می آید.

به همین نحو می توانید عمل تفریق را به کودک بیاموزید. البته از یکانها شروع کرده و پس از تسلط طفل عمل تفریق را پیچیده تر کنید. پس از تسلط کودک به عمل جمع و تفریق می توانید کار وی را با نوشتن نشان دهید.

با استفاده از متد منتسوری تقسیم ساده را نیز می توان به کودک آموخت. در این طریق باید از مهره ها و کارت استفاده نمود. ابتدا رقم زوجی را انتخاب می کنیم، فرض کنیم عددی که در ظرف ریخته ایم ۸۶۸۲ باشد و می خواهیم آن را به دو تقسیم کنیم. شما و فرزندتان در بازی شرکت می کنید باید به تساوی از مهره ها برداریم. از هزار، یعنی مکعب ها شروع می کنیم و هر یک به نوبت یک مکعب برمی داریم، سهم هر یک ۴ مکعب می شود. بعد مربع، که معرف صد است، سهم هر یک سه مربع می شود. بعد دهها، سهم هر یک ۴ رشته می شود. بعد مهره، که به هر یک، یک مهره می رسد. حال بهره های که نصیب هر یک از شما شده با کارت ها نشان داده می شود. بدین ترتیب به هر یک از شما ۴۳۴۱ رسیده است. برای تفریح می شود پس از آنکه هر نفر یک بار به دو میز گشت یک عدد (مکعب، مربع، رشته و مهره) بردارد و مقسوم را هم با روی هم گذاردن کارتها ۸۶۸۲ نشان می دهیم.

پس از تسلط کودک به این مرحله می توانید اعدادی را انتخاب کنید که قابل قسمت به دو نباشد سپس نشان می دهید عدد باقیمانده را چگونه به طبقه پائین تر تبدیل می کنید که بتوان آن را نیز به طور مساوی تقسیم نمود.

آموزشهایی که در بالا ذکر شد برای اطفال ۴ و ۵ ساله است.

بازی بینگو «BINGO» نیز برای کودکان طریق مفرضی برای

آموختن مفاهیم اصولی اعداد است که در آن اعداد بین ۱۰ تا ۷۵ بکار برده می‌شود و طفل برای موفقیت در بازی به قدری مجذوب می‌شود که ناخود آگاه به مفاهیم ریاضی پی می‌برد (البته بازی باید صرفاً جنبه‌ی آموزش داشته باشد). پس از آنکه فرزند شما خواندن اعداد را آموخت دیگر آموزش تعیین وقت از روی ساعت، یا گرماسنج برای وی اشکالی ندارد و آموختن این دو برای وی سودمند می‌باشد. کودک ۴ و ۵ ساله می‌آموزد که چه موقع هنگام خواب است یا اگر نزدیک ظهر است، دیگر وقت خوردن کیک نیست و والدین نیازی به منع وی از خوردن ندارند. آموزش ارزش پولها نیز در این سنین برای اطفال امکان‌پذیر می‌باشد. انواع سکه‌ها و پولهای کاغذی را به کودک نشان داده و به صورت یک بازی، تبدیل آنها را به یکدیگر بیاموزید.

### علوم

یک کودک قبل از دبستان، فردی است کنجکاو، تجربه‌کننده، اهل سئوالهای گوناگون، علاقمند به پی بردن به همه چیز، دارای علاقه‌ی پایان‌ناپذیر به کلیه‌ی علوم. کودک خصوصیات را حفظ خواهد کرد، مگر آنکه آموزگار یا والدین موجب دلسردی وی از این کار گردند. حتی اگر شما نتوانید در مورد لوله‌های آزمایشگاهی توضیحاتی به وی دهید، ولی می‌توانید او را ترغیب کرده و خصوصیات ذاتی یک فرد دانشمند را در وی، بیدار کنید. هدف نباید فشار آوردن به کودک برای به خاطر سپردن مطالب علمی باشد. شما می‌توانید کودک خود را با تشویق کردن وی، به سئوال کردن، مشاهدات دقیق و حساس و پی بردن به علت امور و آثار و نیز آزمایش نتایج کار و شگفتی از حوادث و مشاهدات عادت دهید.

تشویق شما باید در مورد علاقمند کردن فرزندان خود به علوم، در مورد دختر و پسر یکسان باشد. بررسیهای دانشمندان نشان داده است که این استعداد در طفولیت در پسران و دختران وجود دارد، ولی دختران به علت اینکه از طرف والدین و افراد بالغ دلسرد می‌شوند، قبل از ورود به دانشگاه مسیر خود را تغییر می‌دهند.

شما با تمرین پی می‌برید که چگونه تمایل بدست آوردن علوم را در فرزندان خود بیدار کنید. برای مثال سعی کنید به طرق مختلف، حساسیت به محیط اطراف را در کودک به وجود آورید تا به پی بردن به ماوراء ظواهر اشیاء علاقمند شود. به او بیاموزید که برای این کار، از حواس پنجگانه خود استفاده کند. در اول بهار، او را تشویق کنید جوانه‌ی درختان را جستجو کند، اختلاف رنگ برگهای جوان و کهنه را ملاحظه کند. به رنگ پرندگان و صداهای شهر توجه نماید. همچنین به صداها نکات باریک و مختلف دیگر توجه داشته باشد.

نیازی نیست که شما و فرزندتان در کنار دریا زندگی کنید تا او عوامل طبیعی را از نزدیک مشاهده نماید. کافی است او را به پارک برده گلهای، درختان مختلف، حشرات و پرندگان را به وی نشان دهید. در شبهای صاف، ستارگان، ماه و تغییر شکلهای آن را همراه فرزندتان مشاهده کنید. چند گلدان در منزل رشد دهید. ذره‌بینی برای وی تهیه کنید که برگها را از نزدیک نگاه کند. او را با بوی گلهای مختلف آشنا کنید.

کار شما آموزش کودک نیست، منظور تحریک استعدادهای علمی او است بنابراین نیازی نیست که شما از تمام رشته‌های علمی اطلاع داشته باشید.

سعی کنید به سئوالات کودک جواب دهید. اگر گاهی وضعی

غیرعادی برای شما پیش می‌آید که نمی‌توانید جواب سئوالات او را بدهید برای مثال، غذا روی اجاق در حال سوختن است، وقتی غذا را از روی اجاق برداشتید مطلب را مجدداً طرح کرده و به سؤال وی پاسخ دهید.

بعضی مواقع فرزند شما سؤال می‌کند که چرا این بخار از قوری چای برمی‌خیزد؟ شما ممکن است دو نوع پاسخ دهید. یک پاسخ کوتاه: برای اینکه آب جوش آمده است. یا آنکه ممکن است از فرزند خود سؤال کنید که پاسخ مشروح می‌خواهد یا مختصر. معمولاً کودک جواب می‌دهد مفصل، در این صورت مشروح چگونگی آب، نقطه‌ی جوش آمدن و تبدیل شدن آن به بخار را برایش شرح دهید.

اگر سئوالی کرد که جوابش را نداشتید، جواب می‌دهید منهنم نمی‌دانم حالا با هم جواب آن را پیدا می‌کنیم. سپس کتابی که در آن موضوع برای اطفال نوشته شده است، برایش می‌خوانید. نکته مهم در این کار این است که می‌توانید به فرزند خود بیاموزید، از کجا اطلاعات لازم را بدست آورد. شما با این کار او را به مطالعه‌ی کتاب، علاقمند می‌کنید.

بعضی مواقع فرزند شما سئوالاتی بدین ترتیب می‌کند. برای مثال اگر تکه یخی را در جیب بگذاریم چطور می‌شود و سئوالاتی از این قبیل. در جواب می‌گویید حال تجربه می‌کنیم ببینیم چطور می‌شود. او باز سؤال می‌کند که اگر گلوله برفی را داخل منزل بیاورید چطور می‌شود؟ اگر آن را داخل یخچال بگذاریم؟ داخل فریزر؟ اگر آن را بگذارید ذوب شود آیا حقیقتاً آب خالص به دست می‌آید؟ اگر آب را در فریزر بگذاریم مجدداً برف می‌شود؟ می‌توانید از آب، یخ درست کنید؟ چگونه؟

کتابهای مختلفی هستند که در مورد عنه فیزیک، برای دوره‌ی



دبستان نوشته شده است شما می‌توانید این کتابها را مورد استفاده‌ی اطفال قبل از دبستان قرار دهید.

ضمن انجام آزمایشات موجود در کتابها می‌توانید با سؤالی، حالت علمی و تحقیق را در فرزند به وجود آورید: مثلاً قبل از شروع آزمایش سؤال می‌کنیم: اکنون ما چه می‌خواهیم بکنیم؟ چگونه می‌توانیم آزمایش را انجام دهیم که به جواب برسیم؟ فکر می‌کنید چه پیش بیاید؟ ما چه وسایل و موادی لازم داریم؟ اگر ممکن است بگذارید کودک آزمایش را خودش انجام دهد.

پس از انجام آزمایش از کودک بخواهید تا مجدداً آن را بررسی کند.

مثال دیگر برای اینکه فرزند شما به وجود هوا پی ببرد. از وی بخواهید مقدار کمی روزنامه را محاله کرده و در ته گیلای قرار دهد. سپس گیلای را وارونه در داخل ظرف آبی فرو برد، او می‌بیند که روزنامه خیس نشده، به وی توضیح می‌دهید که هوای بین آب و روزنامه مانع خیس شدن آن گردیده است. برای دیدن هوا، پس از فرو کردن گیلای در آب، از او بخواهید گیلای را به پهلو بچواریاند. در این صورت حبابهای هوا از آب خارج می‌شود.

از این نوع آزمایشات، برای روشن کردن افکار کودک می‌توان زیاد ترتیب داد. البته هنگامی کودک بیشتر لذت می‌برد که خود این آزمایشات را انجام دهد. مثلاً برای نشان دادن تبخیر، از او بخواهید مقدار کمی آب را در بشقابی ریخته و آن را در جای گرمی قرار دهد. پس از چند لحظه مشاهده می‌کنید آبی که در ظرف وجود داشت، تبدیل به بخار گردیده است.

کودک شما می‌تواند آزمایشات زیادی در حوضچه پلاستیکی مملو از آب در منزل انجام داده و نتایج جالبی بدست آورد، بدین صورت که

اشیاء مختلفی را در حوضچه بیاندازد. مانند تکه های چوب، درهای بطری، کاغذ، سکه ی پول، مداد، بطری خالی در بسته، قوطی مقوایی خالی شیر و غیره، وقتی او این آزمایشات را انجام داد از وی سؤال کنید که چرا بعضی اشیاء در سطح آب قرار می گیرند و بعضی دیگر در آب فرو می روند، تخم مرغ تازه و یا جوشیده را داخل ظرف آبی بیاندازید، بعد از کودک بخواهید کم کم نمک در آب بریزد پس از چندی تخم مرغ به روی آب خواهد آمد.

برای اینکه به کودک نشان دهید ارتعاش، چگونه تولید صدا می کند. جعبه ی خالی را انتخاب کرده و بر روی آن کش های لاستیکی به ضخامت های مختلف نصب کنید سپس با وارد کردن ضربه، به هر یک، ایجاد ارتعاش نمایید. و به کودک نشان دهید که ارتعاشهای زیاد در ثانیه ایجاد صدای بیشتری می نماید.

برای اینکه نشان دهید غیر از هوا، اشیاء دیگری هم صدا را منتقل می کنند ساعتی را روی میز قرار داده و از کودک بخواهید گوش خود را در طرف دیگر روی میز بگذارد او ملاحظه می کند که میز چوبی هم صدا را منتقل می نماید.

آزمایش دیگر: تعدادی باقلا را در اختیار کودک قرار دهید، به او بگوئید جبهه ها را از هم جدا کند کودک قادر به جدا کردن جبهه ها از هم نخواهد بود. باقلاها را شب هنگام در گیلاس آب بریزید روز بعد کودک، خواهد توانست جبهه ها را از یکدیگر جدا کند. شما نیز، جوانه و قسمتی را که از ریشه می شود، به وی نشان داده و توضیح دهید که جبهه ها مواد غذایی جوانه را تشکیل می دهند.

برای نشان دادن نحوه ی رشد باقلا به کودک، آن را در گیلاسی قرار دهید، سپس یک دستمال کاغذی را مرطوب به شکلی قرار دهید که

یک طرف با قلا به بدنه‌ی گیلای چسبیده باشد دستمال کاغذی را مرطوب نگاه دارید کودک بدین ترتیب می‌تواند نحوه‌ی رشد گیاه را ملاحظه نماید.

از تخم تریچه نیز برای نشان دادن مواد مغذی که برای رشد گیاه لازم است می‌توان استفاده نمود، برای این منظور سه گیلای انتخاب کرده و تعدادی تخم تریچه را در سه دستمال کاغذی چهارلا به طور مساوی ریخته، و هر یک را در ته یکی از گیلایها بگذارید. سپس روی دستمال کاغذی یکی از گیلایها، چند قطره آب بریزید. دستمال گیلای دوم را درست خیس کنید و گیلای سوم را از آب مملو نمائید. این اعمال باید در حضور کودک انجام یا آنکه کودک خود آن اعمال را انجام دهد. پس از ۵ روز به کودک بگوئید دستمالها را باز کند. او می‌بیند که تخمهای گیلای اول که فقط چند قطره آب داشته سبز نشده و گیلای دوم که دستمال کاملاً خیس بوده سبز شده و تخمهای گیلای پر از آب خراب شده است. حال به فرزند خود توضیح می‌دهید که گیلای اول به قدر کافی غذا نداشته، گیلای دوم به قدر کافی غذا و هوا داشته و گیلای سوم هوا نداشته است.

گیاهان برای رشد، به حرارت و نور نیز نیاز دارند برای این کار بگذارید کودک دو گیلای انتخاب کند و در هر دو پنبه‌ی مرطوبی قرار دهد، روی هر دو چند دانه عدس بیاندازد. یکی از گیلایها را در یخچال و دیگری را در حرارت اتاق نگهدارد. پس از چند روز خواهد دید که تخمهای گیلای که در یخچال قرار داده شده سبز نشده ولی آنکه در حرارت اتاق قرار دارد سبز شده است. این آزمایش را ممکن است در محل تاریک و نور اتاق یا کنار پنجره هم انجام دهید.

طرز قلمه زدن گیاه و نیز نشا کردن آن را پس از رشد، در محل

مناسبی می‌توان به کودک نشان داد. برای آزمایش مصرف آب بوسیله گیاه، میخک سفیدی را با ساقه از گلدان جدا کنید، سپس آن را در آبی که به رنگ قرمز درآمده بگذارید پس از چند روز ملاحظه می‌کنید که میخک تغییر رنگ داده و به رنگ قرمز در می‌آید.

می‌توانید فرزند خود را تشویق به ترتیب دادن کلکسیونهایی از پروانه‌ها، گلها، برگها، سنگها، صدفها و اشیاء دیگر از این قبیل، بنمائید.

اگر محل مناسبی دارید، می‌توانید برای فرزند خود سگ یا گربه یا پرنده و یا ماهیهای مختلف نگاهدارید. با این عمل فرزند شما می‌آموزد که موجودات دیگر نیز، احتیاج به غذا، نگهداری و نظافت دارند. همچنین برای هر یک، دوران زندگی (تولد - مرگ) معینی وجود دارد. وسایل دیگری که به تحریک شوق فرزند به آموزش علوم کمک می‌کند عبارتند از: منشور بزرگ برای شکستن نور آفتاب، دوربین، نگاه کردن به کار کردن ساعت، مخصوصاً کارخانه‌ی آن، دستگاه گوش کردن به صدای قلب و وسائلی از این قبیل.

#### بدست آوردن مفهوم و تصویر آن

خواه شما به فرزند خود کمک کنید یا نکنید او در دوران فهم و درک دنیای اطراف خود، مقدار زیادی تاثیرات بیرونی را با هم ترکیب می‌کند، مجدداً سازمان می‌دهد، دریافت می‌کند و ادراک و مفاهیمی تازه از آنها بدست می‌آورد. البته او در جریان این ترکیب، سازماندهی و ادراک تازه، اکثراً اشتباه می‌کند و نتایج غلطی بدست می‌آورد، ولی اشتباه در نحوه‌ی فکر کردن او یا توانایی استدلال او نیست، فقط می‌توان گفت که او در شروع کار اطلاعات صحیح به قدر کافی در اختیار نداشته است.

نازنین چهارساله می‌شود که مادر به پدرش می‌گوید: آقای مشرفی همسایه ما به بیمارستان رفت. من نمی‌دانم چه نامی برای بیچه انتخاب خواهند کرد. نازنین فقط از این صحبت نام بیمارستان را می‌فهمد، ولی دیگر نمی‌داند آنجا چه گذشته است.

مریم چهارساله می‌شود که مادر به برادرش می‌گوید: من فقط یک دلار در کیف دارم نمی‌توانم اسباب بازی بخرم. مریم برای کمک به مادر می‌گوید چرا نمی‌روی از فروشگاه پول بیشتری بگیری؟ برادرش فریاد زده به وی می‌گوید احمق! مریم تقصیر ندارد چه او همیشه دیده است که مادرش در فروشگاه پولی به فروشنده در ازاء جنسی که خریده داده و فروشنده مقداری پول بیشتری در ازاء اسکناسی که مادرش داده به وی برگردانیده است. مریم دیگر از ارزش پولهای مختلف اطلاعی ندارد.

نگاه کردن اطفال کوچک به تلویزیون نیز اشکالی برای بدست آوردن مفاهیم بوجود می‌آورد. آیا دایناسورها در زمان مادربزرگ هم بوده‌اند؟ چرا آن زن هنگام ملاقات با رئیس جمهور، لباس بلند می‌پوشد. لباس عادی چه اشکالی دارد و مسائلی از این قبیل.

آموزگاران و روانشناسان اکنون عقیده دارند، اطفال قبل از ورود به دبستان واقعاً می‌خواهند بیاموزند، می‌توانند بیاموزند و باید بدون کمک آشکار والدین مطالب زیادی را در مورد تاریخ، جغرافیا، فیزیک و اقتصاد بیاموزند. آنها به طور تعجب‌آوری مطالب پیچیده‌ای را که نمی‌توانند بفهمند به فرم درمی‌آورند البته نه برای علاقه‌ای که به سحر و جادو دارند، بلکه از آنجائی که قادر به درک افکار و نظرات مهم، در مورد دنیای فیزیکی و اجتماعی خود می‌باشند.

امروزه بعضی از آموزگاران مشغول آموزش مفاهیم مهم اقتصادی و فیزیکی به کودکان مهد کودک و کودکان می‌باشند. این نتیجه نظر

متخصصین هاروارد است که عقیده دارند هر موضوعی را می‌توان در مراحل مختلف رشد به طریق شایسته و مناسبی به کودکان آموخت. این برنامه و نظریه توسط محققین هاروارد، در نتیجه گوش کردن و ضبط نمودن به مذاکراتی که بین کودکان انجام شده و ملاحظه نموده‌اند که کودکان تشنه درک مفاهیم عمده زندگی حتی در مورد مرگ، خداوند، فضای بالا، جامعه، دنیای کار، علت و آثار حوادث طبیعی، می‌باشند مطرح شده است.

استادان هاروارد می‌گویند قبول اینکه اطفال کوچک آمادگی آزمایشات و تجربیات علمی را ندارند مشکل است و عدم آمادگی مترادف با بی‌فایده بودن و اشکال تصمیم‌گیری است. نظریه عدم آمادگی اطفال، در نتیجه‌ی عمومیت دادن بیش از اندازه‌ی دوران معینی از رشد برای آموزش کلیه‌ی اطفال می‌باشد. بهتر است بپذیریم که کودک در تمام ساعات روز، آماده برای کسب آموزش، در مورد موضوع معینی نیست. در غیر این صورت اگر بپذیریم که اطفال فقط در سن هفت سالگی باید آموزش را شروع کنند و آنان را در سنین سه تا شش سالگی آموزش ندهیم، یعنی سنی که تمایل شدیدی به درک حقایق و آزمایشهایی که خود می‌کنند، دارند و نیز آنان را در آن آزمایشهای توأم با خطا راهنمایی نکنیم، موجب توقف رشد آموزشی و فعالیتهای بعدی او شده‌ایم.

تعیین برنامه‌های ویژه، برای مهد کودک و کودکان، هنوز هم تحت بررسی است. در بعضی از این مراکز که این نظر را پذیرفته‌اند، آموزشهای ویژه‌ای شروع شده است. تحقیقات هنوز هم در جریان است تا کلید درک و فهم را دقیقاً برای اطفال کوچک، در رشته‌های مختلف تحصیلی تعیین نمایند و آنان را در آموزشهای سالهای بعد کمک کند. در عین حال محققین تأکید می‌کنند که آموزش «کلید درک» نباید به

طریق نامناسب و مختل کننده‌ای صورت گیرد، بلکه کارهای آموزشی باید به عنوان کمک به کودکان برای کشف مطالب و بکاربردن آن توسط خود آنها انجام شود. در حقیقت کار جنبه‌ی آموزشی خاصی نداشته باشد، بلکه صرفاً به صورت کمک و راهنمایی در کاری که طفل دچار تردید و اشتباه است صورت گیرد.

اگر شما در وضعی باشید که فرزند شما نتواند در کودکانی شرکت کند که نیازهای وی برای تشکیل و درک مفاهیم مهم دنیای اطراف مورد تقدیر قرار بگیرد. یا حتی اگر هم چنین نباشد، باز هم نقش شما به عنوان پدر یا مادر برای کمک و راهنمایی وی در تشکیل مفاهیم به قوت خود باقی می‌باشد تا فرزند را برای بدست آوردن مفاهیم دقیق راهنمایی و کمک کنید.

برای کمک به فرزند چه می‌توانید بکنید؟ گرچه هنوز هم تحقیقات در این زمینه در جریان است، معهدا پیشنهادهای مفیدی در این راه عرضه گردیده است: قبل از همه فرزند خود را برای تشکیل و بدست آوردن مفاهیم تشویق کنید. به خوبی به آنچه که می‌گوید گوش کرده و سعی کنید اطلاعات وی، یا نکات مبهم آن را درک کنید. سپس در مورد جمع آوری اطلاعات صحیح و در اختیار گذاردن آن اقدام کنید. پدر و مادر مریم به این سؤال کودک خود می‌خندند که: مادر! بچه از کجا می‌آید؟ ولی مادر باید سعی کند اطلاعات صحیح و مقدماتی را در این مورد تهیه و برای فرزند خود بخواند. او می‌تواند نوزاد همسایه را ببیند، در باغ وحش حیوانات و اطفال آنها را مشاهده کند، در موزه‌ها نحوه‌ی رشد کودک در رحم مادر به وی نشان داده شود. مادر می‌تواند در مورد بیمارستان و نقش پزشکان و نرس‌ها، برای فرزند مطالبی بدست آورده و بخواند و...

برای نازنین، فروشگاه یا مغازه بازی، که تا اندازه‌ای پیچیده است ممکن است مفید باشد. در بعضی از کودکانها این بازی را برای کودکان انجام می‌دهند. بدین وسیله کودکان نه تنها از کیفیت خریداران، تولید کنندگان مواد غذایی، کارخانه‌ها و خرده‌فروشان مطلع می‌شوند، بلکه از چگونگی قیمت گذاری و سود نیز مفاهیمی بدست می‌آورند.

مادر نازنین می‌تواند، در گوشه‌ای از اتاق، فروشگاه کوچکی ترتیب داده و به این وسیله درباره پول، نحوه‌ی خرید کردن پول، تعیین قیمت جنس و محصولات را که می‌تواند بفروشد، مفاهیمی در اختیار فرزند خود بگذارد.

در جریان این نوع فعالیتها، پدر یا مادر می‌تواند به بعضی از سئوالاتی که فرزند عنوان نموده و آنها نتوانسته‌اند جواب آن را بدهند پاسخ گویند. برای مثال فرزند را به یک دکان زرگری که حاضر است بعضی از سئوالات کودک را جواب بگوید راهنمایی نمایند.

علاوه بر کمک به فرزند برای کسب اطلاعات و درک مفاهیم، برای تصحیح سوء تفاهمات، کودک را به طرز فکر کردن جدیدی در مورد اطلاعاتی که کسب کرده نیز می‌توانید هدایت کنید.

برای مثال، جهت درک مفهوم حمل و نقل، یک سفر کوتاه با اتوبوس به وی کمک شایانی می‌کند. به وی راهنمایی کنید در مورد کلیه وسائط نقلیه فکر کند: اسب، ارابه، دوچرخه، اتومبیل، هواپیما، هلیکوپتر، موشک، کشتی و غیره. به وی بگویند فکر کند که چه هنگام و به چه منظور از این وسائل باید استفاده کرد. در ضمن پاسخهای او را تصحیح کرده و به سئوالاتی که در این مورد می‌کند جواب صحیح بدهید.

طبق تحقیقاتی که دانشمندان به عمل آورده‌اند، اطفال به طرز تعجب آوری می‌توانند اطلاعات مربوط به زمان را جذب کنند. برای مثال



چگونه موجب تحریک رشد ... ■ ۱۵۳

قطعه طنابی برداشته و در فواصل مساوی آن را به تعداد سالهای عمر کودک گره بزنند. گره اول را تاریخ تولد و هر یک از گره‌های بعدی را معرف یکسال نشان دهید. سپس وقایعی که طی این سالها برایش رخ داده: زمانیکه شیر می‌خورده، زمانیکه به راه افتاده و زمانی که شروع به حرف زدن نموده و همچنین وقایع دیگر را تعریف کنید. سپس یک خط زمان، شبیه خط زمان بالا را، برای خود تهیه و حوادثی را که رخ داده برایش شرح دهید.

سپس به وی بگوئید خط زمانی که شاه عباس سلطنت می‌کرده طنابی می‌شود که می‌توان یک سر آن را به دور اتاق انداخته و سر دیگر آن را به آشپزخانه برد. به همین طریق زمانهای گذشته را با نام بردن اسامی اشخاص معروف که خط زمان آنها می‌تواند به خیابانها امتداد پیدا کند، بیاموزید.

با بردن کودک به موزه‌ها و نشان دادن وسائلی که در آن زمانها بکار برده‌اند کودک، به تحولات و پیشرفت تمدن، بیشتر آشنا می‌شود. البته تجسم زمان به ویژه زمانهای بسیار گذشته برای کودکان قدری مشکل است، ولی اینکه آن قدر صبر کنیم که اطفال در دبیرستانها با آن آشنا شوند، در حقیقت چنان است که رشد فکری آنان را برای این مدت عقیم گذارده باشیم. در صورتی که کودکان توانائی جذب این اطلاعات را دارند.

طبق تحقیقاتی که دانشمندان به عمل آورده‌اند، کودکان چهار و پنج ساله تا حد زیادی می‌توانند به نقشه‌های جغرافیا آشنا شده. شهر خود را در کشور و کشور خود و همسایگان را بشناسند.

شما می‌توانید این کار را از اتاق خود شروع کنید. کودک اتاق، میز، راه ورود و محل چراغ را مشخص کند. به وی بگوئید بالای نقشه،

همیشه شمال است. بعد به کمک خودتان کاغذ بزرگتری تهیه کرده، خانه خود، خانه‌های همسایه و خیابانهای بین آنها را مشخص کنید، چند اتومبیل کوچک هم روی نقشه در خیابانها بگذارید در طرح این نقشه کودک تا حدودی به مفهوم مقیاس هم پی می‌برد. این کار را تا وقت و حوصله به شما و کودک اجازه دهد، می‌توانید بسط و توسعه دهید.

ممکن است پازل‌هایی را که نقشه‌ی استانهای کشور در آن نشان داده شده تهیه و در دسترس کودک چهار، پنجساله قرار دهید که استانها را به جای خود بگذارد. بدین ترتیب کودک کاملاً به نقشه‌ی جغرافیای کشور خود، از لحاظ استان، شهرهای بزرگ، کوهها و رودخانه‌ها آشنا می‌شود.

اطفال در مورد کار پدرانشان کنجکاوی دارند که بدانند او هر روز صبح کجا می‌رود و چه می‌کند. بهتر است اگر سئوالی کرد، توضیح کافی به وی بدهید. اگر ممکن است یک روز چند ساعتی او را سر کار خود ببرید. او از نشستن پشت میز شما و کارهایی که می‌کنید لذت می‌برد. به وی بگوئید هر کس کاری دارد. درباره کارهای پاسبان، نجار، خلبان، راننده، سلمانی، پزشک، مامور آتش نشانی، موسیقی‌دان، هنرپیشه و غیره توضیحات کافی بدهید. کار پدران و مادران و اهمیت آن دو را برای کودکان روشن نمایید.

شما همچنین باید به دختر خود بگوئید اکنون زنان نیز به تعداد زیاد کار می‌کنند و کار مردان را انجام می‌دهند مانند پزشکی، کارهای بانکی، پرستاری، کار در کارخانجات و غیره و اگر دختر شما فقط با زنانی سر و کار دارد که همیشه در منزل کار می‌کنند او را به قسمتهای دیگر مانند بیمارستان، کارخانجات و ادارات، برای دیدن کار سایر خانمها ببرید.

شناسائی نوع جنس فرزند (پسر و دختر) از ابتدای تولد روشن می شود. شما نباید روشی انتخاب نمایید که محدودیتی در رشد فکری و توانائی دختر شما بوجود آورد. تغییر نقش زنان در اجتماع مطلبی است که باید به کودکان خود بفهمانید. مادر می تواند به فرزند خود بگوید، نیمه وقت در خارج از منزل کار می کند برای اینکه کار را دوست دارد و می خواهد در درآمد خانواده شریک باشد، باید در انتخاب و تمایل کودک به کاری برای وی محدودیت قائل شوید.

بایستی از اهمیت کار مادر در داخل خانه و خارج و کار پدر و همکاری آن دو با هم برای اداره ی منزل و نقشی که هر دو در منزل و اجتماع دارند، برای فرزندان صحبت کنید.

شما می توانید از موقعیتهائی که پیش می آید برای درک مفاهیم مختلف به فرزندان استفاده نمایید.

برای مثال: در همسایگی شما شروع به بنای ساختمان بزرگی می نمایند باید به فرزند بفهمانید چرا به جای بین از بولدوزر استفاده می کنند؟ چرا دیوار را از زمین ایزوله می کنند؟ چرا عده ای فقط لوله نصب می کنند؟ و عده ی دیگر آجرها را روی هم می گذارند، تخصص های مختلف، و آموزش و تجربیاتی را که برای آن لازم است برای آنها شرح دهید. افرادی را که پشت صحنه ی ساختمان هستند و برای بنای آنجا کار می کنند معرفی کنید. شما باید آگاه باشید که فرزند شما دائماً برای خود مفاهیمی از روابط اجتماعی درست می کند و اکثراً بعلا اطلاعات غلط، این مفاهیم تغییر شکل می دهند.

فربیا پنج سال و دو هفته سن داشت. او خیلی ناراحت به نظر می رسید. پیوسته به پدرش چسبیده و از بازی با کودکان دیگر خودداری می کرد. پس از سئوالات زیادی که مادرش به سبب این تغییر حالت از

فربیا به عمل آورد، بالاخره فربیا زیرلب به مادرش گفت می ترسم پدرم شما را طلاق بدهد. مادر دلیلی برای این امر به نظرش نمی رسید. تا آنکه دختر گفت این را بخاطر آن خانمی که پدرم دو هفته قبل برای شام دعوت کرده بود، به ذهنش رسیده است. باز هم مادرش نتوانست به چیزی پی ببرد تا آنکه معلوم شد دختر سرگذشتی را در تلویزیون دیده که پدر خانواده‌ای با خانمی که برای شام یک شب دعوت کرده بود ازدواج نموده و در نتیجه دختر این سرگذشت را مربوط به دعوت همکار پدرش به شام نموده بود. مادر سعی کرد بعد در مورد روابط خانوادگی بیشتر با دخترش صحبت کند. مقارن همین ایام مراسم ازدواج یکی از بستگان این خانواده انجام می شد. قبل از شرکت در مراسم مادر توضیحات کافی در مورد ازدواج به دختر داد. پس از برگزاری ازدواج، مادر ملاحظه کرد دخترش با عروسک‌های خود عروس بازی می کند.

دلیلی که برنامه‌های تلویزیونی آن قدر اثر قوی در کودکان دارد، ایست که اطفال نمی‌توانند حقیقت را از آنچه که در برنامه تلویزیونی می‌گذرد جدا کنند به این جهت، بایستی دیدن برنامه‌هایی را به آنها پیشنهاد کنید که بتوانند این تفکیک را انجام دهند.

مادر بهروز ملاحظه می‌کرد که فرزند چهارساله‌اش هر چه را که در تلویزیون مشاهده می‌کند حقیقت می‌پندارد. برای رفع این مشکل ترتیبی داد که خود و فرزندش در تماشای نحوه‌ی فیلمبرداری از یک برنامه تلویزیونی شرکت کنند. پس از تماشای این صحنه‌ها، نحوه‌ی درک مفاهیم برنامه تلویزیونی در کودک تغییر نمود سپس مادر، وی را تشویق کرد که با سایر همبازی‌های خود برنامه‌ی تلویزیونی ترتیب دهند.

سالهای زیادی فرزند شما تمام آنچه را که در دوران زندگی قبل از دبستان به وی آموخته‌اید مورد استفاده قرار خواهد داد. این آموزشها،

الگوئی برای فرزند شما به وجود می آورد که آموزشهای آینده خود را بر پایه ی آنها بنا نموده و از توده اطلاعات زیادی که در مغز خود ضبط و ذخیره نموده است، استفاده کند.

شما چه به فرزند خود کمک کنید یا نکنید او به جمع آوری اطلاعات و درک مفاهیم، بر مبنای آنها ادامه خواهد داد. ولی با کمک شما، او مفاهیم مفید بیشتری جمع آوری می کند که برای آموزشهای آینده ی او بسیار مؤثر خواهد بود.

#### اسباب بازی ها

سالهای بین سه سالگی و شش سالگی، اوج دوران نیاز کودک به اسباب بازی است. اسباب بازی هائی که برای دوران هیجده ماهگی و سی و شش ماهگی قبلاً گفته شد در فاصله ی سه و شش سالگی نیز مورد استفاده است. بعضی دیگر از اسباب بازیهای آموزشی، در این فصل هم ذکر شد. اکنون خلاصه ای از اسباب بازیهای دیگر در زیر نام برده می شود که اگر بودجه والدین اقتضا کند آنها را تهیه و الا از اتاق بازی کودک آن باید استفاده شود.

قالب هایی که از چوب یا پلاستیک تهیه شده و با سوار کردن یا پیوستن آنها به همدیگر صورت مختلف ساختمانی بوجود می آید.

— اسباب بازیهای که برای تقلید زندگی افراد بزرگ بکار می رود مانند: عروسک، خانه ی عروسکی، لباسهای عروسک، ارابه، تلفن، قطار، هواپیما، کامیون، وسایل خانه داری، وسایل پزشکی، حیوانات مزارع و باغ وحش، وسایل باغبانی، وسایل نجاری و امثال آنها.

— وسایل مختلف، برای تقویت حس هنر دوستی مانند: انواع

مدادهای رنگی، کاغذهای رنگی، مدلهای نقاشی، و غیره.

— انواع وسایل موسیقی

— لباسها و ماسکهای مختلف برای بازی تئاتر

— بازیهای که خواندن اعداد را می آموزد، وسایل اندازه گیری، پازل ها.

— وسایل فعال بازی فیزیکی مانند: گلیدر، واگن، سه چرخه، روروک، توپ، وسایل کوه نوردی، تونل برای رد شدن و خزیدن از داخل آن، و امثال آنها.

— وسایل اکتشافات و تحقیقات علمی، ذره بین، آهن ربا، منشور، دانه های گیاهی، اسباب جوجه کشی و غیره.

### مهد کودک

هنگامی که در سال ۱۹۶۰ شوق آموزش اولیه بین افراد اشاعه یافت، فشار قابل ملاحظه ای بین تمام اقشار ملت برای اعزام اطفال سه و چهارساله به مهد کودک مشاهده گردید. خانواده های پردرآمد درخواست داشتند همان تسهیلاتی که دولت برای خانواده های کم درآمد قائل شده برای آنان نیز در نظر گرفته شود. آخرین تحقیقات نشان داد که مهد کودک نیمه وقت برای اطفال سه و چهار ساله در دراز مدت رشد کمی بوجود می آورد که معادل همان تحریکات احساسی است که اطفال در هفته های اول زندگی در منزل کسب می کنند و این اختلاف خیلی زیاد است.

ولی برنامه های مهد کودک می تواند به نحو قابل ملاحظه به انگیزه هائی که اطفال در منزل دریافت می کنند بیافزاید. و ارزشهای تکاملی و اجتماعی دیگری نیز در اختیار بگذارند.

مهد کودک ها از لحاظ مرغوبیت و دسترسی برای کودک شما فرق دارند. قرارگاههای تجربی در دانشکده ها هستند که خواندن و ریاضی

جزء برنامه آنها است و مدارس منتسوری که خواندن کتاب در سطح کلاس دوم ابتدائی را برای کودک پنجساله تضمین می کنند. مدارس «Heamcl start» هستند که آموزش ایام گذشته کودک را جبران می کنند، مهد کودک هائی که رشد اجتماعی اطفال هدف آنهاست. باشگاههای ورزش کودکان و مؤسسات دیگر که فقط برای نگهداری اطفال کوچک می باشند.

آیا باید کودک سه و چهارساله شما در مهد کودک شرکت کند؟ این امر بستگی دارد به شایستگی مهد کودک. برای تامین نیازهای کودک و میزان رشد وی، میزان دسترسی به مهد کودک، زمانی که با برنامه ی زندگی شما تطبیق می کند و وجود همبازی برای کودک شما.

یک کودک قبل از دبستان، نیاز به مقدار زیادی تجربه بازی با همسالان دیگر خود دارد. او نیاز به آموختن حقوق اطفال دیگر، فهمیدن آنها، شرکت با آنها و اینکه عضوی از اعضاء گروه است دارد. یک کودک باید تجربه ی چند ساعت دور بودن از خانواده را در هفته داشته باشد تا اینکه او را خشنود و راضی به استقلال و انتقال به آموزش رسمی بنماید. در این مورد نیز هر مهد کودک شایسته ای برای کودک مفید می باشد.

اگر کودکی تکراراً راضی به رفتن به مهد کودک نشد، بهتر است لاقلاً ششماه شرکت او را در مهد کودک به تأخیر بیاورید.

یک کودک نیاز زیادی به تقویت و پرورش جسم نیز دارد تا تسلط ادراک وی نیز رشد کند. یک مهد کودک مجهز که دارای وسائل کافی در فضای باز برای تأمین این نظرات است، برای کودک مناسب می باشد. یک کودک نیاز به انگیزه و محرک برای رشد فکری خود دارد. شاید به

مراتب بیش از آنچه که تا کنون محققین به آن پی برده‌اند بعضی از مهدکودک‌ها چنین برنامه‌هایی برای رشد استعدادهای ذاتی کودک، توانائی او به آموختن زبان، تقویت قدرت تمرکز فکر و غیره را دارند.

متأسفانه تعداد چنین مهدکودک‌هایی بسیار کم است، (بعضی از والدین خود تشکیل انجمنی بدین منظور داده و سرمایه‌گذاری کرده و آموزگارانی را برای اجرای برنامه‌های منتسوری تربیت نموده‌اند). ولی بیشتر مهدکودک‌ها برنامه‌های خود را روی کارهای اجتماعی یا دسته‌جمعی متمرکز می‌نمایند و کوچکترین توجهی به رشد فکری اطفال ندارند، آنها حتی مخالف‌اند و می‌گویند که ما از کودکان مراقبت می‌کنیم، برای اینکه یک کودک باشند، یا اینکه می‌گویند فکر کردن، قبل از هفت سالگی شروع نمی‌شود. یا می‌گویند ما نمی‌توانیم برنامه‌ی خود را مضاعف کنیم، یا آنکه به کودکان فشار وارد آوریم. یکی از محققین می‌گوید حتی وسائلی که برای رشد فکری کودکان می‌تواند بکار برده شوند، آنها را برای فعالیتهای دسته‌جمعی بکار می‌برند.

بعضی از مهدکودک‌ها به جای تحریک رشد فکری کودکان، موجب توقف رشد و حتی به عقب برگشتن آن می‌شوند.

والدین ذی‌علاقه و با فکر می‌توانند تمام نیازهای فرزند را از لحاظ وقت، فضا و وسائل آموزش با همکاری والدین کودک همسایه فراهم آورند. از آنجائیکه این موقعیت‌ها نادر است شما یک ارزیابی حقیقی از مهدکودکی که در دسترس دارید همراه با تطبیق آن با نیازها و شخصیت فرزندتان بعمل آورده و مهدکودک مناسبی را انتخاب نمایید.

در بیشتر جوامع، برنامه‌های کودکانها با تمام تأکیدی که روی آموزش اطفال قبل از دبستان می‌شود طی چندین دهسال فقط تغییر مختصری نموده است. کودکان را بدین صورت آماده می‌کنند که به آنها



بقبولانند دبستان سازمانی است اجتماعی که در آنجا با دوستانی ملاقات می کنند، نه یک محیط آموزشی.

در بعضی مراکز دانشگاهی فکر تنظیم برنامه هائی برای آموزش اطفال پنجساله بر مبنای اشتیاق و توانائیهای آنان بوجود آمده است. بعضی گردانندگان کودکان کستانها متقاعد شده اند که آنها می توانند، خواندن بعضی مفاهیم تاریخی، جغرافیائی، علوم و اقتصاد را به کودکان پنجساله بیاموزند. اگر این آموزش به وسیله آموزگارانی که نوع توانائیهای ویژه کودکان را دریافته باشند انجام گیرد، جذب مطالب آموزشی بوسیله ی کودکان بهتر صورت خواهد گرفت.

کودکستانها به طور قطع در آینده شباهت بسیار کمی به آنچه که اکنون در آن مکانها جریان دارد خواهند داشت. تا به وجود آمدن چنین آموزشگاههائی، فرزند شما از لحاظ ارزش جنبه های دیگر اجتماعی نیاز به رفتن به کودکان کستان را دارد. ولی شما خود باید جاذبه آموزش در منزل را در وی حفظ نمائید.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



آیا می‌توانید قبل از دبستان خواندن را به فرزند خود بیاموزید؟

آموزش خواندن به فرزند قبل از رفتن به دبستان، یکی از فرخنده‌ترین، پرج‌ترین و راضی‌کننده‌ترین اشکال آموزش اولیه است. موضوعی که به طور وسیعی در زمینه‌های زیرین مورد بررسی می‌باشد: آموزش به اطفال باهوش، اطفال با فرهنگ عقب‌مانده، کودکان سه‌ساله. اطفالی که از لحاظ فکری عقب‌مانده هستند، کودکان دارای اختلال حواس، اطفالی که به مغز آنها آسیب رسیده، اطفالی که دارای I.Q (میزان هوش) متوسطی هستند، کودکان چهارساله و دو ساله.

خواندن را به طرق زیر به کودکان می‌آموزند: به وسیله والدین در منزل، به وسیله روانشناسان در مراکز تحقیق رشد کودکان، به وسیله آموزگاران در مهدکودک، به وسیله خواهران شش‌ساله که دوست دارند در خانه مدرسه بازی کنند. آموزش، از راه تلفظی و صوتی، با تکنیک

دیدن حروف، با ترکیب دو روش نامبرده، و بدون هیچ روشی صورت می‌گیرد. ممکن است این آموزش با الفبائی که روی مقوا یا کاغذهای ضخیم بریده شده، یا قسمتهای فکاهی روزنامه، یا کتابهای ابتدائی، به وسیله تلویزیون، به وسیله دستگاههای ضبط و به وسیله ماشینهای تحریری که با کامپیوتر کار می‌کنند انجام شود.

صرف نظر از هر نوع متد آموزشی یا محرکی که به کار برده می‌شود، اغلب آنهایی که سعی به آموزش خواندن به کودکان می‌نمایند موفق می‌شوند. مقالات خانواده‌هایی که در مورد تجربیات خود به جرائد مطالبی می‌نویسند، اکثراً حاکی از شوق و خوشحالی کودک به کسب آموزش است.

چند سال قبل روزنامه شیکاگو تریبون و تعدادی روزنامه‌های دیگر، برنامه سیزده هفته‌ای برای آموزش خواندن به اطفال از طریق کارتون (سرگذشت مصور) ترتیب دادند. سال بعد مادری از یکی از شهرهای کوچک به مناسبت سالروز شروع این برنامه و تشریفاتش را که به مناسبت آن روز در منزل برگزار کرده بودند، به مدیر روزنامه شیکاگو تریبون نوشت:

«من نمی‌دانم آیا شما از دری که روزنامه‌ی شیکاگو تریبون به روی علم برای کودکان منطقه‌ی شیکاگو باز کرد اطلاع کامل دارید یا خیر. شما نمی‌دانید دو دختر کوچک من با چه تردید و کنجکاوی آن در را به روی خود باز کردند، کنجکاوی و تردید ما به زودی جای خود را به یک شیفتگی و اشتیاق سپرد.

دختر بزرگتر ما سال اول دبستان را پائیز شروع کرد، و مانند برادران خود که در کلاسهای دوم و سوم بودند کتابهای آنها را می‌خواند. کودک چهارساله‌ی ما ساعتی خوشی را برای آموختن هر

هفته مصروف می‌داشت. در خانه ما دیگر ناله‌های اینکه مامان من حالا چه کار کنم وجود ندارد.

بین من و دو دختر کوچکم تفاهم و نزدیکی زیادی برای خواندن مطالب روزنامه شما به وجود آمده است که من هیچگاه تصور آن را نمی‌کردم. من انتظار دارم که درهای آموزش به روی دو نوزاد خانواده‌ی ما هم باز باشد. تنها آرزوی من این بود که هنگام طفولیت فرزند هشت ساله‌ام نیز شما مدیر محترم با ما بودید.»

همزمان با تحقیقات و ایجاد علاقه به آموزش اطفال قبل از ورود به دبستان در سال ۱۹۵۰، دانشمندان نیز با اکتشافاتی در مورد اعمال مغز انسانی، نکات تاریکی را روشن ساختند. این اقدامات با افزایش نگرانی آموزگاران و والدین نسبت به دانش آموزانی که توفیقی در تحصیل دروس دبستانی نمی‌یافتند تشدید و تقویت گردید.

از اوایل قرن بیستم هنگامی که آموزش خواندن به وسیلهٔ آموزگاران امریکائی تحت مذاقه و بررسی قرار گرفت، مشکلات آموزش خواندن کودکان در کلاس اول موجب نگرانی شدید عموم و افراد حرفه‌ای به خصوص گردید. آزمایشاتی که در سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ از دانش آموزان کلاس اول به عمل آمد، نشان داد که درصد زیادی از آنان، قادر به خواندن نیستند. بحث‌های زیادی در مقابل مسائل آموزش کلمات از طریق چشم و گوش، خواندن شفاهی بی‌صدا، گروه‌بندی شاگردان در کلاس و آموزش تمام کلاس با هم، نشان دادن کلمات روی نقشه، تهیه کتابهای استاندارد برای تدریس، به میان آمد.

گرچه آموزگاران در مورد روش تدریس و متدهای مختلف با هم در نزاع بودند، ولی در مقابل والدین از یک لحاظ جبهه‌ی واحدی تشکیل دادند: آن اینکه سعی نکنید خود شما خواندن را به فرزندانتان بیاموزید،

این دستور آموزگاران بود که خواندن به قدری عمل فکری پیچیده و مشکلی است که حتی بعضی مواقع آموزگاران با تجربه نمی‌توانند به انجام آن موفق شوند. پس چگونه والدین می‌توانند این وظیفه را انجام دهند؟ والدین از روشهای غلط استفاده می‌کنند و به کودک فشار وارد می‌نمایند. شما هنگام کمک به کودک خیلی هیجان زده می‌شوید. چشمان اطفال را خراب می‌کنید. علاوه بر این، والدین نمی‌توانند تا رسیدن اطفال به سنین شش، هفت و حتی هشت سالگی که آنان آمادگی فکری ندارند، آنان را تحت آموزش قرار دهند. بدین ترتیب والدین علاوه بر تلف کردن وقت، مصیبت‌های فکری نیز برای اطفال به بار می‌آورند.

والدین خصوصاً آنان که از تعلیم و تربیت اطلاع کافی داشتند پیام را دریافت کرده و تعدادی از آنها حتی از دادن جواب در مورد حروف، کلمات، علائم و غیره خودداری نمودند. تعدادی به طور ناخود آگاه علاقه‌ی فرزندان خود را به نوشتن از بین بردند.

پس از پیدایش متد شیکاگو تریبون به صورت چاپی در جراند، در مورد آموزش خواندن به اطفال تعداد زیادی از والدین به روزنامه نوشتند که ما خوشحال هستیم از اینکه می‌بینیم کمک کردن به کودک برای آموختن خواندن کاملاً عمل صحیحی است. کودک از نگاه کردن به آگهی‌های تجارتي تلویزیون خود به خود چیزهای زیادی آموخته و از ما نیز سئوالاتی در مورد کلمات می‌کنند. قبلاً ما بیم مدرسه، عمل ما را مورد تأیید قرار ندهد.

تئوری اینکه اطفال قبل از شروع آموزش خواندن، نیاز به رشد فکری دارند در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به وجود آمد و آن هم بر این مبنا بود که آموزگاران کلاس اول، می‌دیدند که بعضی از اطفال بزرگسال بهتر از سایرین خواندن را می‌آموزند. این مشاهدات چنین تعبیر می‌شد که